نیره ساری
پرونده
مبارزه با فساد اقتصادی

یادداشت

حلقه‌های قانونی مبارزه با فساد اقتصادی

سعید نصرالله‌زاده
دانشجوی دکترای حقوق عمومی

پیشگیری از بروز فساد و مقابله با مفسدان به خصوص مفسدان اقتصادی برنامه دائمی دولت است. فساد علاوه بر ضررهای اقتصادی کلان، موجب نارضایتی‌های گسترده اجتماعی و کاهش اعتماد مردم به حاکمیت می‌شود. مقابله با فساد و مفسدان در مسئله حکمرانی خوب یک عامل تعیین‌کننده است.

اساساً یکی از دلایل نهضت انقلابی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) مبارزه با فساد و برقراری عدالت بود. سمت‌وسوی تصویب قانون اساسی و بالطبع قوانین عادی نیز بر همین مبنا بود که نظامی عاری از فساد و مبتنی بر عدالت دینی بر اساس قرآن و سنت باشد، لذا سیاست مبارزه دائمی با مفسدان و مجازات آنها، سیاست تثبیت‌شده و بی‌چون و چرای نظام جمهوری اسلامی است که باید بدون تبعیض نسبت به همه مفسدان اجرا شود.

مبنای مقابله با فساد، پاسداشت و اعتلای عدالت است که به یک مقوله راهبردی در سطح کلان تبدیل شده است. در شرایط جنگ اقتصادی همه‌جانبه دشمنان نظام جمهوری اسلامی که از آن به عنوان تروریسم اقتصادی یاد می‌شود، اتخاذ سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و قضایی به عنوان رویکرد جامع می‌تواند در تحقق امنیت اقتصادی جامعه مؤثر باشد. این سیاست جنایی جامع، باید مشتمل بر مؤلفه‌هایی مانند قانون‌گرایی، شدت و قطعیت مجازات، رعایت حقوق دفاعی متهمان و برخورداری آنان از تضمین‌های دادرسی عادلانه باشد.

فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ نمونه بارز سیاست‌های ابلاغی در زمینه مبارزه با فساد است، با این حال قانونگذاری برای پیشگیری از بروز فساد و مبارزه با مفاسد سابقه‌ای دیرینه به درازای عمر مجالس قانونگذاری دارد. اگر از برخی قوانین مصوب مجلس شورای ملی بگذریم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قوانین و مقررات متعددی در این خصوص تصویب شده است. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم عمده و کلان اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۹ تنها نمونه‌هایی از هنجارگذاری موضوعه در جهت مقابله با فساد و مجازات مفسدان بوده است. در زمینه الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز می‌توان به قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) مصوب ۱۳۸۷ اشاره کرد.

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ با حدود ۳۰ سال قدمت، از جمله قوانینی است که برخی عناصر سیاست جنایی از جمله شدت و قطعیت مجازات و رسیدگی در دادگاه‌های انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کرده است، اما پیچیده شدن مناسبات اقتصادی و تغییرات بعدی در قوانین شکلی و ماهوی سبب شد در سال ۱۳۹۷ با کسب اجازه از محضر رهبر معظم انقلاب، دادگاه‌های ویژه‌ای جهت رسیدگی به جرائم موضوع قانون مذکور تشکیل شود. عملکرد این دادگاه‌ها دارای موافقان و مخالفانی است، از جمله مهم‌ترین ایرادات به رسیدگی دادگاه‌های مذکور که مورد تأکید منتقدان قرار گرفته است، محروم شدن متهمان از تضمین‌های مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری از قبیل حق دسترسی به وکیل بود که خوشبختانه در تمدید استجازه در سال ۱۳۹۹ این نقیصه رفع شد. علیهذا با توجه به محدودیت زمانی استجازه و تأکید رهبر معظم انقلاب نسبت به طی مسیر قانونگذاری در خصوص موارد مذکور در استجازه، انجام اصلاحاتی در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. برای تحقق حداکثری اهداف، ارائه آسیب‌شناسی دقیقی از نحوه اجرای قوانین قبلی از حیث میزان تأثیرگذاری و بازدارندگی آرای صادره در خصوص مفسدان حائز اهمیت است، زیرا مسئله جرم و بزهکاری یک مسئله پیش‌رونده است که موجب می‌شود مجرمان در هر دوره‌ای به شکلی متفاوت از قبل مرتکب جرم شوند، فلذا روزآمدسازی قوانین متناسب با تغییرات اجتماعی مسئله مهمی است که باید مدنظر قرار گیرد.

بررسی روابط و شکاف‌های بین نهادهای نظارتی بیانگر آن است که تداخل وظایف، موازی‌کاری و نبود هماهنگی بین آنها مشهود است و شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی، تاکنون توفیق چندانی در زمینه دستیابی به اهداف تشکیل آن نداشته است

همچنین مسئله تورم قوانین در کشور نیز ایجاب می‌کند با تأمل در وضعیت تنقیحی قوانین مربوط به مقابله با فساد و مجازات مفسدان و با توجه به تجارب کسب‌شده یک کد حقوقی در زمینه مقابله با فساد تنظیم شود. به نظر می‌رسد مسئله مقابله با فساد امری فراقوه‌ای است که حصول نتیجه مطلوب برای تحقق آن با همکاری همه نهادها و قوا حاصل می‌شود، زیرا مبارزه با فساد در صورتی موفق است که برنامه‌ریزی شده، یکپارچه و هماهنگ و با اراده کامل در تمام سطوح نظام انجام گیرد و از حمایت مردم و سطوح بالای حاکمیت نیز برخوردار باشد، با این حال به جهت کارویژه‌های اختصاصی به نظر می‌رسد برخی دستگاه‌ها در مبارزه با فساد دارای مسئولیت بیشتری هستند. نهادهای اصلی نظارتی در کشور، در قوه مقننه، دیوان محاسبات کشور و کمیسیون اصل ۹۰، در قوه قضائیه، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری و شورای نظارت و بازرسی قوه قضائیه و در قوه مجریه، وزارت اطلاعات و سازمان حسابرسی است. همچنین ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی به صورت فراقوه‌ای و مؤسسه حسابرسی مفید راهبر به صورت مستقل از سه قوه در امر سلامت اداری فعال هستند که بار اصلی مقابله با فساد در زمینه پیشگیری، کشف و مبارزه با فساد را مستقل از دادگاه‌ها بر عهده دارند.

همه این موارد با علم به وظایف مدیران عالی در نظارت بر کارکنان و مجموعه تحت امر و نیز وظایف نهادهای ذیل هر دستگاه نظیر حراست، گزینش، هیئت رسیدگی به تخلفات، ذی‌حسابی و غیره در مبارزه با فساد است. نهادهای نظارتی به رغم تعدد آنها و فعالیت‌هایی که تاکنون داشته‌اند در امر مبارزه با فساد فاصله زیادی با نقطه مطلوب دارند. تعدد مراجع نظارتی و بازرسی یکی از واقعیت‌های وضعیت فعلی سیستم مبارزه با فساد در کشور است. در میان نهادهای اصلی مبارزه با فساد، ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی، شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی و شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضائیه به منظور ایجاد هماهنگی بین نهادهای نظارتی و بازرسی و حذف موازی‌کاری‌ها شکل گرفته است. بررسی روابط و شکاف‌های بین نهادهای نظارتی بیانگر آن است که متأسفانه کماکان تداخل وظایف، موازی‌کاری و نبود هماهنگی بین آنها مشهود است و این طور به نظر می‌رسد که شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی، تاکنون توفیق چندانی در زمینه دستیابی به اهداف تشکیل آن نداشته است. در این میان نباید از نقش مهمی که مطبوعات و رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی در افشای مفسدان و مقابله با فساد دارند، غافل شد. اساساً یکی از قوی‌ترین ابزارهای مبارزه با فساد، استفاده از توان نظارت مردمی برای کشف فساد است. نظارت عمومی از پایین به بالا که مردم بازیگر اصلی آن هستند، عامل مهم کشف فساد است، به طوری که حدود نیمی از فسادها در سازمان‌های دولتی و خصوصی از این طریق کشف می‌شوند. استفاده از ظرفیت نظارت مردمی برای مقابله با فساد، نیازمند بسترهای نهادی است که از جمله آنها می‌توان به حمایت از افشاگران فساد (سوت‌زنان) اشاره کرد.

و در آخر محاکم دادگستری به عنوان آخرین حلقه مقابله با فساد و مفسدان نقش مهمی در اعتلای عدالت و مبارزه با مفسدان بر عهده دارند. مبارزه دائمی خیر و شر در صورتی که از طریق اقدامات پیشگیرانه کشف نشود و نهادهای اداری از طریق مقابله با تخلفات نتوانند با فساد و مفسد مبارزه کنند، در نهایت محاکم دادگستری در اجرای قوانین و مقررات موضوعه به اعتلای اعتبار قانون از طریق مجازات مفسدان می‌پردازند.

نهایت اینکه برخلاف تصور عمومی به نظر می‌رسد اقدامات پیشگیرانه از بروز فساد و پیگیری‌های اداری در مقابله با آن بر اقدامات قضایی و پلیسی به منظور مقابله با فساد اولویت داشته باشد و باید در صدور اولویت‌های اجرایی قرار گیرد، لذا تمرکز مبارزه با مفسدان در دستگاه قضایی باید محدود به موارد خاص و مجازات مفسدان کلان باشد تا ضمن اعمال سیاست قضازدایی تمرکز دقیق‌تری بر کشف، تعقیب و مجازات مجرمان دانه‌درشت به وجود آید.

بررسی ابعاد مختلف مؤثر در مبارزه با فساد اقتصادی در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناسان حقوقی

ضلع جدید فساد زدا تشکیل می‌شود؟!

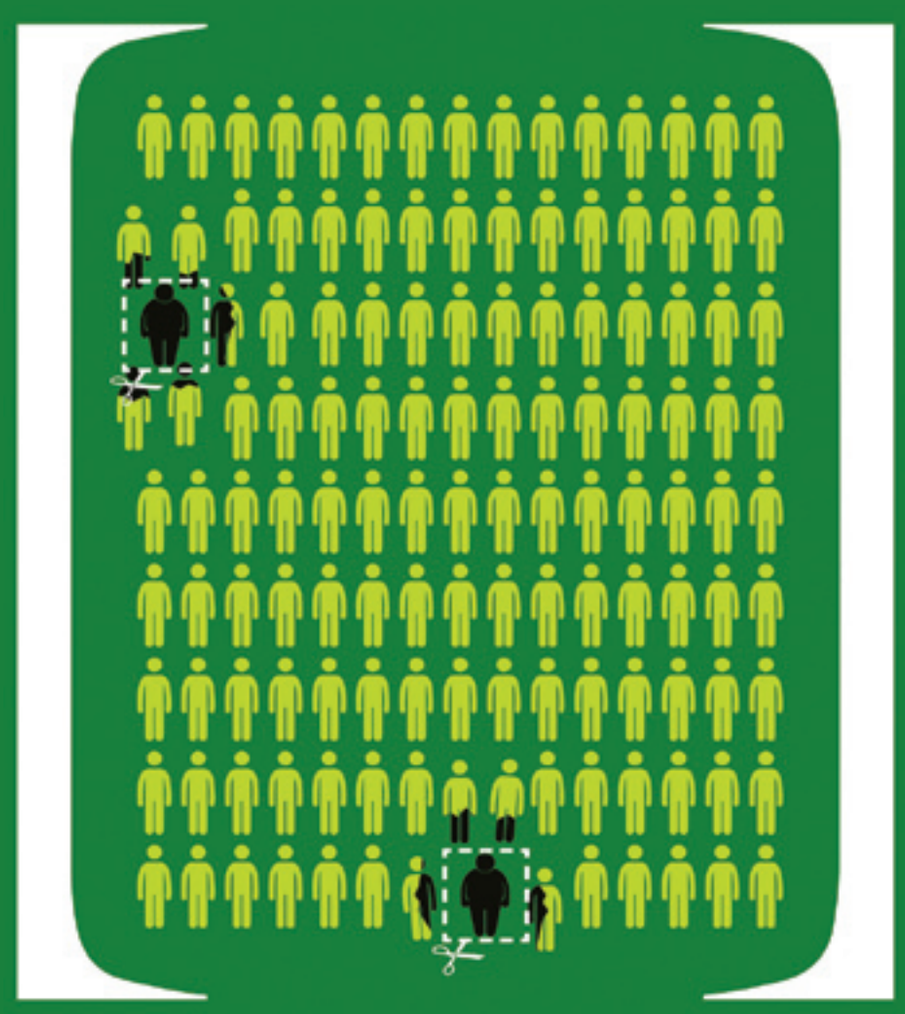

تورم یا به‌روزنبودن قوانین، صدور آیین‌نامه یا قوانین خلق‌الساعه، فقدان شفافیت در زمینه‌های مختلف از جمله عملکردی، مصلحت‌سنجی در اعلام برخی مفسدان دانه‌درشت، تعدد مراجع نظارتی و بی‌توجهی به توان نظارتی مردم از جمله موارد مهمی است که به اعتقاد کارشناسان حقوقی در حوزه‌های مختلف امر مبارزه با فساد به ویژه دانه‌درشت‌ها را دشوار کرده است.

فساد اقتصادی یکی از مسائل مهمی است که اکثر کشورهای دنیا با آن درگیر هستند اما همواره با تلاش مفسدان برای پیدا کردن راه‌حل‌های جدید و دور زدن قانون در تمام دنیا به دنبال راهکارهایی هستند تا با فساد مبارزه کنند چراکه فساد فراتر از ضررهای اقتصادی، بی‌اعتمادی مردم به حاکمیت را به دنبال خواهد داشت. در واقع یافتن راه‌حل و ابزار برای پیشگیری از فساد امروز در تمامی دنیا امری مهم تلقی می‌شود. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس بیش از ۴۰ درصد از کشفیات تخلفات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ در دنیا صرفاً با ابزار گزارشگری بوده است؛ موضوعی که در کشور ما نیز مطرح شد اما به دلیل فقدان ابزارهای حمایتی لازم تقریباً کان‌لم‌یکن باقی ماند. در نهایت اینگونه شده که به رغم قوانین مختلف در نهایت راهکار نهایی بر دوش نهاد قضایی کشور در راستای مجازات محکومان است، بی آنکه موضوعیت پیشگیری به صورت جدی پرداخته شود.

قوه قضائیه نیز در سال‌های اخیر برخوردهایی با مفسدان اقتصادی داشته است. یکی از جدی‌ترین برخوردها در سال ۹۷ و با راه‌اندازی دادگاه ویژه و علنی مفاسد اقتصادی رقم خورد. غائله بانک سرمایه یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌های فساد اقتصادی در ساختار بانکی کشور بود که میلیاردها تومان از اموال عمومی را بر باد داد و بخش زیادی از سرمایه‌های خود را در قالب وام‌های بی‌حساب و کتاب حاتم‌بخشی و عدد و رقم‌هایی را در رکورد بدهی‌های بانکی تاریخ ایران ثبت کرد؛ پرونده‌ای که شبکه‌ای از مفاسد اقتصادی را در خود جای داده و از قضا در میان متهمان آن نام‌های آشنایی چون پرویز کاظمی، سیدهادی رضوی، بهروز ریخته‌گران و حسین هدایتی ملقب به عابربانک فوتبال به چشم می‌خورد. هیچ یک از این نام‌ها مانع اجرای عدالت نشد و بسیاری از متهمان یقه‌سفید آن محاکمه شدند یا در حال محاکمه هستند.

ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در نشست با سردار رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا و معاونانش، لزوم همکاری و هماهنگی دستگاه‌های نظارتی، امنیتی و انتظامی در برخورد با فساد و با اولویت قرار دادن مفسدان اقتصادی دانه‌درشت را مورد تأکید قرار داد و به منظور ملموس بودن مبارزه با فساد برای مردم، این نهادها را از انجام اقدامات جزیره‌ای در این مقوله بر حذر داشت. خداییان در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفته است: یک مفسد اقتصادی ممکن است با استفاده از قدرت و نفوذ آن افراد بتواند دستورالعمل یا بخشنامه‌ای را ۲۴ ساعته از مرجعی بگیرد و پس از اتمام کار، آن را ابطال کند. این همان موضوعی است که برخی به عنوان دستورالعمل‌های خلق‌الساعه از آن یاد می‌کنند و معتقدند این دستورالعمل‌ها بستری برای فساد خواهد بود.

خداییان با مهم دانستن مقوله پیشگیری در مبارزه با فساد اقتصادی، ضرورت توجه به شناسایی و مسدودسازی بسترهای فساد را مورد تأکید قرار داد و ضمن اشاره به اهتمام سازمان بازرسی در احصا و انسداد گلوگاه‌های فسادخیز، نقش این مهم در کاهش پرونده‌های فساد را تأثیرگذار دانست. وی یکی دیگر از راهکارهای مهم برای مبارزه با فساد را توجه به شفافیت عنوان و در همین زمینه بر لزوم حرکت به سمت استفاده از فناوری‌های جدید و فاصله گرفتن از رویه‌های اداری سنتی تأکید کرد.

شفافیت نیز یکی از اثرگذارترین عوامل مؤثر بر جلوگیری از فساد به ویژه دانه‌درشت‌هاست که ابعاد مختلفی دارد. این کلیدواژه مهم همان دریچه نظارت مردمی و عمومی است که در نتیجه می‌تواند مسیر محکم موضوع اصل هشتم قانون اساسی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر را امکانپذیر و میزان خطا و اشتباه علنی را به مسئولان گوشزد کند. هر چند در این سال‌های اخیر صحبت‌های جدی‌تری پیرامون این واژه شده است اما طرح‌ها، لوایح و دستورالعمل‌های مختلف تقریباً نافرجام بوده یا قوانین به حد کافی ضمانتی برای اجرا ندارد و اینگونه شده که این کلیدواژه بیشتر شکلی ظاهری به خود گرفته است. گفتنی است سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا بر آمادگی کامل پلیس امنیت اقتصادی در زمینه مبارزه با فساد به عنوان یک یار در کنار سازمان بازرسی تأکید کرده است.

«جوان» در گفت‌وگو با کارشناسان و استادان علم حقوق الزامات مبارزه با فساد اقتصادی در ابعاد مختلف از جمله جایگاه آن در قوانین عادی و اساسی، شفافیت و بررسی نواقص فعلی را مورد بررسی قرار داده است.

شفافیت عملکرد اولویت اصلی مبارزه با فساد دانه درشت‌هاست

مصطفی عباسی
مدیر اندیشکده شفافیت برای ایران

به گفته مدیر اندیشکده شفافیت برای ایران، شفافیت عملکردی گلوگاه اصلی مبارزه با فساد است که فراتر از مبارزه با فساد، منجر به کارآمدی هم خواهد شد.

مصطفی عباسی در گفت‌وگو با «جوان» معتقد است: حوزه‌های مختلفی در بحث شفافیت قابل اهمیت هستند، از جمله حقوق و دستمزد، قراردادها، اموال و دارایی و عملکرد که از همه مهم‌تر و تأثیرگذار همان بحث شفافیت عملکردی است. وی با توضیح بیشتر از بحث «شفافیت عملکردی» توضیح می‌دهد: مهم این بوده که یک مدیر و مسئول در جمهوری اسلامی دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد و در واقع می‌توان گفت در بحث مبارزه با فساد به نسبت سایر موارد مطرح‌شده در حوزه شفافیت، دارای اولویت است. طبق گفته وی، در حوزه قوانین شفافیت‌های مختلفی از جمله حقوق و دستمزد مورد تأکید قرار گرفته که تاکنون اجرایی نشده است.

وی بیان می‌کند: قرار بود سازمان اداری و استخدامی وقت سامانه‌ای را بالا بیاورد و در دسترس عموم مردم قرار دهد، هر چند در این دولت سامانه‌ای طراحی شد اما در عمل نتیجه‌ای حاصل نشده است.

به اعتقاد وی به بهانه‌های مختلف، موضوع شفافیت مطرح شده اما شفافیت عملکرد گلوگاه اصلی مبارزه با فساد است که اقدام جدی در این زمینه صورت نگرفته است. عباسی به «جوان» می‌گوید: شفافیت عملکردی یک مسئول یا دانه‌درشت را ملزم به پاسخگویی خواهد کرد در نتیجه از مبارزه با فساد فراتر است و منجر به کارآمدی می‌شود. مدیر اندیشکده شفافیت برای ایران تأکید می‌کند: هرچند شاید فسادی صورت نگیرد اما کارآمدی یا ناکارآمدی مدیر مشخص خواهد شد.

آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه به فساد دامن می‌زند

حسین میرمحمدصادقی
حقوقدان و استاد دانشگاه

به اعتقاد استاد حقوق، ضعف در مبارزه با فساد از پنج نقیصه عدم‌شفافیت، دولتی‌بودن اقتصاد، مصلحت‌سنجی ناروا، به‌روز نبودن قوانین و صدور قوانین خلق‌الساعه رنج می‌برد.

حسین میرمحمدصادقی در گفت‌وگو با «جوان» به نواقص موجود در حوزه برخورد با فساد دانه‌درشت‌ها در راستای پیشگیری اشاره می‌کند و می‌گوید: مبارزه با فساد نیازمند رفع برخی نواقص است.

وی بیان می‌کند: خاستگاه فساد عدم‌شفافیت است، لذا تصمیماتی که پشت درهای بسته توسط صاحبان قدرت گرفته شود طبعاً بستر ایجاد فساد خواهد بود. صادقی با بیان این مهم که در برخی کشورها اولین گام برای مبارزه با فساد، شفاف‌سازی فرایندهاست، ادامه می‌دهد: چند سال پیش در شهر سئول، پایتخت کره‌جنوبی فساد شهرداری به عنوان یک معضل مهم پیش آمد، بعد از آن تصمیم گرفتند کل فرایند شهرداری در بستر شبکه اینترنت قرار داده شود تا در مرعا و منظر عمومی باشد.

صادقی در ادامه شفافیت را بستری مهم برای مبارزه با فساد دانست و در توضیح بیشتر از تغییرات صورت‌گرفته در کشور مذکور ادامه می‌دهد: در بستر شفافیت، اگر پرونده‌ای بیش از حد طولانی شد یا سریع‌تر از حد معمول به نتیجه رسید، هوشیاری افراد را به دنبال دارد که شاید یک فسادی وجود داشته باشد، در نتیجه شفافیت پرونده‌ها و دسترسی افراد به اطلاعات می‌تواند گام مهمی در بحث مبارزه با فساد باشد.

دولتی‌بودن اقتصاد یکی دیگر از موارد ذکرشده در بحث نقایص مبارزه با فساد از سوی این استاد حقوق بود که در توضیح بیشتر به «جوان» می‌گوید: هر جایی که مجری و ناظر یکی باشند و دولت در حوزه اقتصاد فعال باشد، یکی‌بودن مجری و ناظر باعث خواهد شد زمینه فساد ایجاد شود.

قوانین خوبی مثل سلامت اداری تصویب شده و بازنگری و به‌روزرسانی قوانین و کاستن از آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه برای مبارزه با فساد به‌ویژه فساد دانه‌درشت‌ها ضروری است

میرمحمد صادقی مصلحت‌سنجی‌های ناروا را یکی دیگر از کاستی‌های موجود می‌داند و بیان می‌کند: خیلی از مواقع ما راجع به بسیاری از مسائل با مصلحت‌اندیشی رفتار می‌کنیم و نگران هستیم اگر شیوه برخورد مشخص شود، باعث تضعیف نظام خواهد شد. وی می‌افزاید: برخی فکر می‌کنند اگر مسئولان تخلفی کردند، نظام مشکلی دارد که امروز در این زمینه در موضوعات غیراقتصادی نیز در میان مردم دیده می‌شود که سکوت غیرقابل توجیحی صورت می‌گیرد اما این سکوت علاوه بر دامن زدن به شایعات باعث خواهد شد فساد را به پای کل نظام بنویسند، در حالی که اگر هر کس در هر مقامی به نسبت فساد صورت‌گرفته مجازات شود، مردم فساد یک نفر را از فساد کل سیستم تفکیک می‌کنند. وی بعد از این به حوزه قوانین و مشکلات آیین‌نامه‌ها ورود پیدا می‌کند و ادامه می‌دهد: قوانین از دیگر موضوعات مهم در این زمینه است که در حوزه تصمیمات اقتصادی ما بیش از آنچه با معضل قانون روبه‌رو باشیم با معضل آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه صادر شده از سوی نهادهای مختلف دولتی روبه‌رو هستیم. به اعتقاد این حقوقدان برخی نهادها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی صادر می‌کنند که خیلی زود تغییر و همین بستر فساد را فراهم می‌کند. این حقوقدان بیان می‌کند: برخی قوانین ما در زمینه مبارزه با فساد به‌روز نیست، مثل اعمال نفوذ که قانون آن مربوط به سال ۱۳۱۵ است و طبعاً قدیمی و نیازمند به‌روز شدن است.

وی با اشاره به قوانین خوب و مناسبی مثل سلامت اداری می‌گوید: قوانین خوبی مثل سلامت اداری تصویب شده و مفید است اما بازنگری و به‌روزرسانی قوانین و کاستن از آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه برای مبارزه با فساد به ویژه فساد دانه‌درشت‌ها ضروری است.

اصل ۴۹ درست اجرا نشد اموال نامشروع برنگشت

سیداحمد حبیب‌نژاد
دانشیار دانشگاه تهران و مدیر مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی

۱- در کدام اصول قانون اساسی مبارزه با فساد پیش بینی شده است؟

فساد پدیده‌ای چندبعدی است که در حیطه کلان مشتمل بر فساد اداری، فساد سیاسی، فساد اقتصادی، فساد فرهنگی و دیگر اشکال متنوع از فساد می‌شود و بیشتر دولت‌ها در سرتاسر جهان نیز با آن دست به گریبان هستند، اما آنچه حائز اهمیت است میزان و گستردگی این معضل است. در تمام نقاط جهان تلاش شده است با توسل به روش‌های مختلف، مقابله با فساد، کنترل و ریشه‌کنی آن را محقق کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی، از این مهم غافل نبوده است. این قانون در بحث فساد دو دسته اصول را پیش‌بینی کرده است: دسته اول اصول خاص، بند اول اصل سوم مقرر می‌دارد دولت باید تمامی امکانات خود را برای «مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی» به کار بگیرد. بند ۵ اصل ۴۳ در بررسی ضوابط اقتصادی «منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام» را مورد تأکید قرار می‌دهد. قانون اساسی عواقب فساد مالی را در اصل ۴۹ تبیین می‌کند که بر اساس آن «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را بگیرد و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.» علاوه بر این اصول که به صورت خاص و مشخص به موضوع فساد اشاره می‌کند، اصولی نیز در قانون اساسی وجود دارد که می‌تواند در دسته‌بندی اصول عام مرتبط با مبارزه با فساد قرار گیرد، از جمله اصل ۴۳ که ضوابط تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت را تبیین می‌کند.

۲- آنچه بیش از مبارزه با مفسدان (مالی) و مجازات آنها مهم است، مسئله پیشگیری از فساد است. به صورت خاص در کدام اصول قانون اساسی به بحث پیشگیری از فساد مالی و اداری پرداخته شده است؟

مبارزه قضایی با فساد و مقابله قضایی با مفسدان امری از وظایف قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ است که بعد از وقوع جرائم از جمله فساد انجام می‌گیرد، اما در بند ۵ اصل مذکور به مبحث پیشگیری از وقوع جرم توسط این قوه تأکید شده است. همچنین مقدمه قانون اساسی به مذمت بوروکراسی پرداخته و طرد آن را به منظور کارایی نظام اجرایی ضروری دانسته است که در ادامه همین نگرش، بند ۱۰ اصل ۳ به پیشگیری و مبارزه با یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های فساد اداری یعنی نظام اداری غیرصحیح و تشکیلات غیرضرور و لزوم حذف آن پرداخته است. علاوه بر این بند ۹ اصل ۳ با تأکید بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» به دنبال محقق کردن سلامت اداری از طریق پیشگیری از زمینه‌های فساد اداری است. در جلوگیری از فساد مالی نیز می‌توان به اصل ۴۳ اشاره کرد که در آن تصریح شده است اولاً تمرکز و تداول ثروت در دست افراد باید ممنوع باشد و ثانیاً دولت نباید به صورت کارفرمای مطلق در آید. در هر دو صورت یعنی تمرکز ثروت یا تبدیل دولت به کارفرمای مطلق زمینه‌های ایجاد فساد فراهم می‌شود و از همین رو باید با هر دوی این عوامل و بسترهای فسادزا مقابله کرد و مانع ایجاد آنها شد.

یکی از دلایل تداوم فساد اقتصادی عدم‌اجرای برخی اصول است، از جمله عدم‌اجرای کامل و شایسته اصل ۴۹ قانون اساسی در خصوص اموال نامشروع، لذا باید به سمت اجرای دقیق و غیرتعارفی این اصل و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ برویم

۳- قوانین فعلی ما در بحث مبارزه با فساد کافی است و آیا توانسته امکان فساد را به صفر برساند؟!

هرچند قانون اساسی راه‌های متعددی از جمله رفع تبعیض، نظام اداری صحیح، ترویج ارزش‌های اخلاقی، استقرار نظام نظارتی دقیق، رعایت مصلحت عمومی در انفال، نظارت مردمی بر دولت (اصل ۸) و تقویت نظارت قضایی (اصول ۱۷۳ و ۱۷۴) را برای مقابله با فساد بیان کرده است، اما با توجه به وجود این مسئله در برخی بخش‌ها می‌توان گفت موضوع مبارزه با فساد همچنان یکی از اساسی‌ترین محورهای حاکمیت است. یکی از دلایل تداوم این مشکل، متأسفانه عدم‌اجرای برخی اصول است، از جمله عدم‌اجرای کامل و شایسته اصل ۴۹ قانون اساسی در خصوص اموال نامشروع، لذا باید به سمت اجرای دقیق و غیرتعارفی این اصل و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ برویم. علاوه بر این قوانین ناظر بر نحوه اجرای اصل ۴۹ خلأهایی دارد و در این حوزه باید نقش قوه مجریه و مخصوصاً معاونت حقوقی رئیس‌جمهور در اجرایی کردن اصل مزبور فعالانه‌تر باشد. به این منظور لازم است نقش معاونت حقوقی مورد توجه باشد و مسئولیت‌های مشخص و فعالانه‌ای بر دوش این نهاد قرار گیرد. در هیچ دولتی نمی‌توان ادعا کرد می‌توان فساد را به صفر رساند. مهم این است که زمینه‌های ایجاد فساد و زیرساخت‌ها و بسترها و هنجارهای فسادزا حذف شود و هزینه انجام فساد آنقدر بالا باشد که کسی به فکر فساد نیفتد. تا زمانی که این دو راهبرد عملیاتی نشود، نمی‌توان انتظار معجزه از برخورد با مفسدان به صورت مصداقی و فردی داشت. مهم خشکاندن ریشه‌های فساد است والا با صرف کنارگذاشتن فرد مفسد یا مجازاتش بدون از بین بردن فرصت‌های فسادزا نمی‌توان مقابله با فساد را صددرصد موفق دانست.